

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده* (علمی - پژوهشی)

دکتر فاطمه مدرسی

استاد دانشگاه ارومیه

زهرآ خجسته مقال

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

چکیده

ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید. این نوع ادبیات به آثاری اطلاق می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملت یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در میان مردم است. ادبیات مقاومت معمولاً به توصیف دلاوری‌ها و از خودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملت یا قومی علیه ملت یا قوم دیگری که اغلب اشغالگر یا متجاوز است، از خود نشان می‌دهد. در این حوزه از ادبیات، شاعران بسیاری دست به قلم برده‌اند که یکی از این شاعران برجسته، طاهره صفارزاده است. شاعری که سروده‌هایش نشانگر روحیه حماسی و پایداری است. در این پژوهش بر آنیم تا به روش تحلیلی-توصیفی، تجلی پایداری و مقاومت در اشعار طاهره صفارزاده را مورد بررسی و مذاکره قرار دهیم. مطابق با مباحث مطرح شده در این مقاله، برآیند تحقیق، حاکی از آن است که صفارزاده از جمله شاعران بنامی است که در حوزه انقلاب اسلامی اشعار فراوانی سروده است و گذشته از این اشعار در حیطه ادبیات مقاومت دینی و آئینی نیز اشعاری از خود بر جای نهاده است؛ لیکن آن دسته از اشعاری که برای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده، از بسامد بالایی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، طاهره صفارزاده، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شهادت.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱۱
fatememodarresi@yahoo.com
tarannom932@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۷
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت هاست. این مفهوم، کاملاً ارزشی تلقی می‌شود، زیرا واکنشی غیر ارادی در برابر تهاجم است؛ به همان سادگی که انسان در مواجهه با خطر دست هایش را حایل صورت و بدن می‌کند، حس دفاع و مقاومت در برابر تهاجم، غریزی و برخاسته از طبیعت انسان تلقی می‌شود.

«ادب پایداری چهره انسانی عامی دارد که به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی انسان، در هیچ قالب ملی یا چارچوب اجتماعی خاص نمی‌گنجد و این یکی از جنبه‌های ایجابی مهم این گونه آثار است» (شکری، ۱۳۶۶: ۳).

تاریخ ادبیات مقاومت جهان، ریشه در گذشته‌های دور دارد و تاریخچه آن در حقیقت، همان تاریخ ادبیات جهان است، زیرا شاعران و نویسندگان متعهد از همان آغاز در کنار و همراه با مردم مبارز و عدالت جو و خواهان آزادی و برابری بوده‌اند و در طول زمان با سرودن چامه‌ها و نوشتن خطابه‌ها، ضمن تشویق و ترغیب مردم به پایداری و مبارزه در راه حق و حقیقت، دلیری‌ها و از خود گذشتگی‌های مبارزان راه حق و حقیقت را در آثار خود به ثبت رسانده‌اند.

برای نخستین بار نویسنده معاصر فلسطینی «غسان کنفانی» مجموعه‌ای از شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را «ادبیات مقاومت فلسطینی» نام نهاد. بدین ترتیب اصطلاح «ادبیات مقاومت» یا «مقاومه» در بین شاعران و نویسندگان عرب و بعد در جهان رایج شد؛ ادبیاتی که به شرح و بیان مبارزه، پایداری، از جان گذشتگی، درد و رنج مردم مبارز جهت به دست آوردن آزادی، استقلال و رسیدن به برابری و از بین بردن جور و ستم و کوتاه کردن دست متجاوزان و اشغالگران از سرزمین نیاکانی خود و دفاع از فرهنگ و سنت‌های قومی و حمایت از دین و باورداشت‌های مردم آن سرزمین می‌پردازد.

حاصل چنین تلاشی در نهایت ادبیاتی است پویا، مؤثر و بسیار غنی که مخاطبان ادبیات را به سوی خود می‌کشاند؛ ناگفته نماند گرچه اصطلاح «ادبیات مقاومت» جدید و مربوط به سده معاصر است، ولی با نگاهی دقیق به تاریخ ادبیات

معاصر به سهولت می توان نمونه های فراوانی از این ادبیات را بین آثار پیشینیان به دست آورد (ترابی، ۱۳۸۹: ۷).

ادبیات پایداری در کشور ما هم زمان با انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش های ملی و میهنی بود. در شعر شاعران مشروطه، وطن جغرافیای معین می یابد و عشق ورزی و دوستی وطن در مدار بستن می چرخد. اظهار تنفر از استثمار و مبارزه با امپریالیسم، تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، توسل به جنگ مسلحانه برای نیل به هدف و تلاش برای ایجاد یک جامعه بی طبقه در مرامنامه جنبش های آزادی بخش قرار گرفت و طبیعت ادب پایداری، جلوه گاه ظهور این اندیشه ها شد.

«در دوره های بعد، خاصه در دوران معاصر، شاعران متعهد انقلاب اسلامی به سرودن اشعاری در زمینه ادبیات مقاومت پرداختند. ادبیات مقاومت، صدای مقاومتی است که هرگز خاموش نمی شود و پایانی نمی شناسد و تعبیری است که هیچ گاه از مردم فاصله نمی گیرد، اگرچه شمشیرها و سرنیزه ها را رها کرده باشند» (آینه وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

در هر حال «تجدید حیات دینی» در سال های آخر قرن بیستم، منجر به انقلاب بزرگ اسلامی شد و ادب پایداری جوششی نوین یافت، فرصت جوششی که در دامنه قله مرتفع ادیان الهی قرار گرفته بود.

پیش از این در زمینه ادبیات مقاومت و ادبیات انقلاب اسلامی کتاب ها و مقالات متعدّد و مستقّلی از جمله کتاب «ادب مقاومت» عالی شکری یا «آشنایی با ادبیات مقاومت»، جهان نوشته ضیاءالدین ترابی و ... نوشته شده است که هر کدام، به نوبه خود، ارزشمند هستند؛ اما با این حال در زمینه جلوه های مقاومت در شعر شاعران زن در دوره انقلاب اسلامی، نقد جامع و کامل به عمل نیامده و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است؛ بنابراین، انجام این پژوهش در حوزه انقلاب اسلامی ضروری می نماید.

در این پژوهش، سعی بر آن است تا به روش تحلیلی-توصیفی و به روش کتابخانه ای، آن دسته از اشعاری را که طاهره صفارزاده در زمینه مقاومت و پایداری سروده است مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۲- بحث

۲-۱- شرح حال شاعر

در زمینه ادبیات پایداری شاعران و نویسندگان بسیاری دست به قلم برده‌اند؛ از جمله شاعران شاخص زن در عرصه ترویج فرهنگ ناب اسلامی طاهره صفارزاده است که قریب به شصت سال مشغول فعالیت‌های فرهنگی در بالاترین سطح ممکن بوده و خدمات و آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاده است. وی به سال ۱۳۱۵ در سیرجان متولد شد. در دانشگاه تهران تا سطح دکترای ادبیات انگلیسی تحصیل کرد و سپس چند سفر به خارج از کشور رفت. این سفرها در تغییر و تکمیل دیدگاه‌های هنری او بسیار مؤثر افتاد. او از شاعران دو زبانه است و به فارسی و انگلیسی شعر سروده. ترجمه برخی از اشعار انگلیسی او در مجموعه‌ای به نام «چتر سرخ» چاپ شده است. «رهگذر مهتاب»، «طنین در دلتا»، «سد و بازوان»، «مردان منحنی»، «سفر پنجم»، «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» مجموعه آثار شعری او یند که بین سال‌های ۳۶ تا ۶۶ سروده است» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۶۷۰-۶۷۱). طاهره صفارزاده با اشعار خود، نظریه «شعر طنین ۱» را، که از گونه‌های شعر مقاومت با درون مایه‌ای دینی در قالبی جدید به شمار می‌رود و زبان و سبکی تازه از شعر است، به جامعه ادبی کشور معرفی کرد. نظریه‌ای که هم مایه بحث‌های ادبی و محدودیت‌های سیاسی برای او قبل از انقلاب اسلامی بوده و هم بر اندیشه و نگرش شاعران دوران پس از انقلاب تأثیر داشته است. «از طاهره صفارزاده علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی تا کنون یک مجموعه داستان، ۱۲ مجموعه شعر، ۵ گزیده اشعار و ۱۳ اثر ترجمه یا درباره نقد ترجمه در زمینه‌های ادبیات، علوم، قرآن، علوم قرآنی، حدیث و علوم حدیث، انتشار یافته و گزیده سروده‌های او به زبان‌های گوناگون جهان ترجمه شده‌اند» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۵).

زنان شاعر صرف نظر از مرام‌ها و مسلک‌های فکری، همواره نسبت به مسائل جاری عرصه اجتماع حساس بوده‌اند و نتیجه این حساسیت در اشعار آنها به نیکی مشهود است. صفارزاده از جمله گویندگانی است که سروده‌های او به طور محسوسی، منعکس‌کننده مسائل و دغدغه‌های اجتماعی است. وی با توجه به داشتن اعتقادات مذهبی، در زمینه‌های ملی-میهنی و دینی-آئینی که جلوه‌های

مقاومت و پایداری در آن هویداست، اشعاری نیکو سروده است که در حد امکان به آن پرداخته می شود.

۲-۲- ادبیات مقاومت دینی-آئینی

دفاع از فرهنگ قومی و حمایت از باورداشت های مردم در برابر هجوم اندیشه ها و فرهنگ بیگانه از دیرباز تا کنون موجب پدید آمدن ادبیات ویژه و با ارزشی با عنوان ادبیات مقاومت دینی-آئینی گردیده است (ترابی، ۱۳۸۹: ۹). استفاده از آیات و روایات و متون مقدس دینی و مذهبی از وجوه اصلی تمایز ادب مقاومت ایران و جهان است. ادب مقاومت ایران، مشحون از معارف نظری قرآن و حدیث است و می توان گفت متون مقدس دینی عمده ترین زیرساخت فرهنگی جامعه است.

«مجموعه نیایش ها در فرهنگ تشیع، حافظ و نگهبان مرزهای اقتدار و شجاعت ملی هستند و نمی گذارند و نخواهند گذاشت که هجوم مشکلات و حمله ناملازمات، پرچین های زیبای شجاعت و اقتدار ملی را بشکنند و زمینه های نفوذ ضعف و شکنندگی و از هم پاشیدگی را در جغرافیای روحی ملت فراهم آورند. نگاهی به شروع و جمله های آغازین دعاها و نیایش ها خود بیانگر این نکته ژرف روحی و معنوی است» (واحد، ۱۳۷۵: ۶۲).

جدال تاریخی حق و باطل و غلبه یقینی حق در ادبیات پایداری، بازتاب فراوانی دارد. طاهره صفارزاده تنها قدرت حقیقی را خدای یکتا می داند و حکومت های غاصب را مستکبر معرفی کرده و در این باره اینچنین می گوید:

در منتهای صبر و ستیز/ باید دانست/ که در مقام قادر یکتا/ قدرت وجود ندارد/ یگانه ابر قدرت اوست/ سوداگر جنگ افزار / قداره بند های غاصب وطن و مال/ مستکبرند، نه قدرتمند/ و باید دانست/ مطیع حاکمیت غینند/ و دستبند های الهی/ در وعده ی مقرر نزدیک می شوند/ به دست های مجرم شیطان/ به دست های دشمنی با قرآن (به نقل از بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

صفارزاده با الهام از آیه ۵۵ سوره یونس: «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»، وعده الهی را حق می داند و با استناد به آیه ۱۷ سوره محمد: «وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَ

ءاتاهم تقواهم»، اشاره می‌کند که خداوند بر هدایت و تقوای انسان‌های حق طلب می‌افزاید و این چنین می‌سراید:

وعدۀ حق، حق است/ آنان که در نهاد/ حق طلب و بیدارند/ پروردگار/ بر نعمت هدایتشان افزون می‌فرماید/ و قدرت پرهیزشان عطا می‌فرماید (به نقل از بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

« شاعر در شعری دیگر از مبارزه خود با ناحق سخن می‌گوید :

و من که با نهاد ستم می‌جنگم/ می‌دانم که تا همیشه/ جنگ و شهادتم ادامه دارد/ و شکل بودن من/ شکل روح من/ همچون شیار سرانگشتانم/ مرز شباهتی ندارد/ با مادرم با پدرم با هیچ کس .

در اینجا، شاعر بر استقلال و فردیت خود تأکید دارد و با استناد به سوره قیامت، اشاره به این دارد که عمل هر فرد در قیامت، همانند سرانگشتان او منحصر به فرد است و به تنهایی بررسی خواهد شد .

و از قیام سربداران یاد می‌کند :

ای سربدار اول/ ای سربدار هزارم/ تو سربدار آخر نیستی/ اینها سران مغول هستند ...

او در بندی دیگر از همین شعر به ادامه مبارزه تأکید می‌کند و به پل صراط می‌رسد که یکی از باورهای اسلامی است:

صبری مادام جهاد/ تو را گذر خواهد داد/ از گردنه/ از خط مستقیم/ که سخت باریک است « (آرمین، ۱۳۸۳: ۲۸).

وی همچنین با تمسک به نمادهای اسلامی و مذهبی از جمله اذان، مردم را به ادامه مقاومت تشویق می‌کند :

صدای ناب اذان می‌آمد/ از عمق حنجره پاک آن جوان/ که منتظر قائم بود/ که زیر بال‌های آهنی توطئه/ به مرگ سفر می‌کرد/ صدای ناب اذان می‌آمد/ صدای ناب اذان می‌آمد/ که جمعه‌های ابری و ساکت/ خود را به آفتاب رساندند/ و جسم‌های خسته و مأیوس/ به خواب‌های تیره تر رو بردند/ زمان به ضربه عادت تو را می‌آلاید/ و ایلتیام زخم/ زمان می‌خواهد (دیدار صبح، ۱۳۶۶: ۱۱).

«شعر «دشنام قرن»، یکی دیگر از سپید سروده هایی است که توسط طاهره صفارزاده درباره فاجعه عظیم مگه سروده شده است:

در عصر حاکمیت مزدوران / مرئوس جهل / مجنون جاه / مفتون قدرت / در
بین همگنان / مسابقه مزدوری را برده است / زالوی ظلم / گویی عصاره رذالت
سفاکان را / بیرون کشیده / در خون او چکانده ... کدام دین؟ / کدام مسلمانی؟
(اکبری، ۱۳۷۱: ۴۳۶-۴۳۵).

۲-۳- صفارزاده و اهل بیت (ع)

یکی از ابعاد شکوهمند شعر پایداری دفاع از حریم اهل بیت (ع) و بیان
مظلومیت و حقانیت قربانیان این خاندان در نبرد و رویارویی با بیدادگران است.
«شهادت امام حسین (ع) و یارانش و اسارت اهل بیت طهارت که آغاز عصر
جدیدی در ادبیات شیعی است و شیعیان حضرت علی (ع) از همان روز به سرودن
مرثیه هایی پرداختند که از آن میان می توان سروده های خود حضرت زینب (س)
و امام سجّاد (ع) را نام برد که سرآغاز شعرهای عاشورایی اند و شاعران در آنها
ضمن به تصویر کشیدن جلوه هایی از مبارزه و مقاومت شهیدان کربلا به بیان
ارزش ها و ابعاد گوناگون شخصیت امام حسین (ع) و یارانش می پرداختند؛ ضمن
اینکه چهره سیاه دشمنان و بیدادگران دین را به خوبی نشان می دادند. البته این
اتفاقی است که نه تنها در شعرهای عاشورایی بلکه در تمام شعرهایی که درباره
بقیه امامان و معصومین (ع) سروده شده به روشنی هویداست، روشی که هنوز ادامه
دارد و یکی از مشخصه های عمده شعر شیعی است» (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۶).

«در ادبیات پیش از مشروطه، قائم مقام فراهانی، ادیب پیشاوری و چند شاعر
دیگر توسل به تاریخ را تنها به خاطر اندرز گذشته برگزیدند و در سال های دفاع
مقدس، شاعران ادب پایداری فلسفه تاریخ عاشورا با فاجعه روز آمیختند» ...
(کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۴).

شعر «سالار صبر» در بیان مصائب و سختی های حضرت زینب (س) پس از
حادثه کربلا سروده شده است:

سالار صبر / بی عون / بی محمد / بی شکوه از شهادت فرزندان / مغموم واقعه
نزدیک / در سرآوری خیمه‌ها / محافظ است و پرستار / چشمان خردسال باقر علم /
از داغگاه شتم و شقاوت / تا انجماد ضربه حیرت دنبال رد پای غائله می‌گردد...
(در پیشواز صلح، ۱۳۸۶: ۵۱).

وی همچنین درباره اسوه صبر و استقامت حضرت زینب (س) این چنین می‌سراید:
و حضرت زینب می‌داند / بعد از امام (ع) / معاونت سجاد (ع) / کفالت هدایت
راه / مقابله با گمراهان / بنا به امر / وظیفه اوست (همان: ۶۴).
«زینب با کاروان می‌رود، با کوله بار خاطرات می‌رود تا در رسواکننده‌ترین
محاكمه تاریخ، حاکمیت حق را تحقق بخشد و اصالت نور را در نبرد با ظلمت به
نمایش درآورد» (سنگری، ۱۳۷۴: ۵۹).
صفارزاده در جایی دیگر صحرای کربلا را دامگه خوفناک پاکان می‌داند
و می‌گوید:

صحرای کربلا / دامگه خوفناک پاکان است / در امتداد بستن راه / هم راه
بازگشت / هم راه تشنگان به آب فرات / ددان و سم داران / به شکل و صورت
انسان / از اتفاق مهرهی طوفان / طوفان رمل و داغی تابستان / با حربه‌های جاهلی
کینه / در تیر و در سنان / به جامعه معصومان حمله می‌برند (همان: ۵۲).
در نمونه‌ای دیگر شاعر به فرازی از زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا،
اشاره می‌کند:

در سرزمین آسمانی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشد / کسی به مرگ و
مال نمی‌اندیشد / و ارتفاع صخره و کوه / به زیر پای دلیرانی ست / کز ارتفاع
عقیده / از ارتفاع ایمان می‌جنگند... (دیدار صبح، ۱۳۶۶: ۳۵-۶).

طاهره صفارزاده اشعار بسیاری را درباره امام حسین (ع) و واقعه کربلا سروده
است؛ گذشته از این اشعار وی در شعر «علی علیه السلام» در باب حضرت علی (ع)
ومصیبت‌ها و صبر و استقامت او در برابر جور و ستم و تنهایی‌ها بعد از فاطمه (س)
و راز دل گفتن با چاه سخن می‌راند:

بعد از رسول / کار علی (ع) / صبر و مقابله است / صبر علی مقابله است / مدام /
روح دسیسه را / به گروگان می‌گیرد / حکم درست را / به حکومت می‌خواند / در

جمع/همینه دارد/ و در تنهایی/ بعد از وفات کوثر/ به چاه سخن می گوید/ و می گرید
در چاه ... (در پیشواز صلح، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۹۵).

وی همچنین اشعاری را در رابطه با ظهور، امام زمان سروده و ارادت خود را
نسبت به حضرت مهدی نشان داده است:

همیشه منتظرت هستم/ بی آنکه در رکود نشستن باشم/ همیشه منتظرت
هستم/ چونان که من/ همیشه در راهم/ همیشه در حرکت هستم/ همیشه در مقابله/
تو مثل ماه/ ستاره/ خورشید/ همیشه هستی/ و می درخشی از بدر/ و می رسی از
کعبه/... ای عدل وعده داده شده/ این کوچه/ این خیابان/ این تاریخ/ خطی از
انتظار تو را دارد/ و خسته است/ تو ناظری/ تو می دانی/ ظهور کن/ ظهور کن که
منتظرت هستم/ ظهور کن که منتظرت هستم (بیعت با بیداری، ۱۳۶۵: ۷۲).

صفا زاده با سرودن این اشعار در انتظار ظهور کسی است که با آمدنش
جهان پر از عدل و داد خواهد شد و نشان از مقاومت جهانی و فراگیر دارد.

۲-۴- صفارزاده و انقلاب اسلامی

در سال های پایانی شکل گیری نهضت انقلاب اسلامی شاعران بسیاری به
سرودن اشعار انقلابی روی آوردند. طاهره صفارزاده از جمله شاعرانی بود که در
متن انقلاب اسلامی حضور داشت. وی مسائل ارزشی مردمی را که بیشتر آنها
حماسی، عرفانی و دینی بود بیش از همه مورد توجه قرار داد و با الهام از
دستاورد های انقلاب اسلامی به سرودن اینگونه اشعار پرداخت. پس از پیروزی
انقلاب اسلامی، شاعران بسیاری درون مایه شعر خود را به بیان رشادت ها و از
خود گذشتگی های نسل انقلاب اختصاص دادند؛ بنابراین، کمیت این گونه آثار
افزایش یافت. صفارزاده در سرودن اشعار انقلابی بیشتر از آیات قرآنی بهره گرفته
و به بیان آزادی، بیداری، محکوم ساختن استبداد، حق و باطل و... می پردازد.

در بیان ادبیات انقلاب اسلامی می توان گفت که «گستره موضوع و درون مایه
شعر نیمایی عصر انقلاب از موضوعات و درون مایه عام شعر انقلاب چندان جدا
نیست، به این معنی که روی آوردن به مفاهیم دینی و گرامی داشت جنگ و
شهادت و رسیدن به مفهوم مقدسی از وطن با تلفیق تمایلات دینی و ملی، تأکید

بر ستایش امامان به ویژه امام حسین (ع) به عنوان قهرمان حماسه کربلا، یک روی مضمون‌های شعر نیمایی عصر انقلاب است و سوی دیگر آن روی آوردن به گونه‌ای عرفان جدید که بیشتر به معنی تصعید و ترفیق مفاهیم و تصوّرات دینی و مبتنی است بر نوعی سلوک اجتماعی، بازگشتن به سنت‌ها و به طور واضح روی آوردن به ارزش‌های زندگی گذشته و در نتیجه حرمت گذاری به نوع زندگی روستایی و روی گردانی از مظاهر زندگی شهری (یا حقی، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

در دوره انقلاب غالب افراد، گروه‌ها و نهاد‌های اجتماعی به خدمت انقلاب در می‌آیند. شعر نیز به وسیله و ابزار بدل می‌شود، و به تصویر کردن و بزرگ‌نمایی واقعیت می‌پردازد «شعر از انقلاب عمومی اجتماعی متابعت می‌کند؛ بنابراین اصل کلی انقلاب اسلامی در پیدایی آگاهی‌های نوین ملی و متعاقباً روند شعر جدید فارسی تأثیر فراوانی داشته است» (اسحاق، ۱۳۷۹: ۳۷) «سرانجام سال‌های اول انقلاب سپری شد و زندگی در مسیر طبیعی‌اش جریان یافت و با همه اخلال‌گری جنگ، تصویرهای منعکس در ذهن، با دید و اندیشه شاعران در آمیخت و شعارها اندک‌اندک رنگ شعر گرفت و در مسیرهای گوناگون به راه افتاد؛ نخست، شعر متعهد به اسلام و متوجه به انقلاب که از اذهان شاعران مختلف از طاهره صفارزاده و علی موسوی گرمارودی گرفته تا شاعران جوان تر سرچشمه گرفت. دوم، شعر شاعرانی که همچنان با حفظ محتوای شعر مشخص خود، بی‌اینکه پیام‌آور تازه‌ای باشند، بیانگر و تصویرپرداز چشم‌انداز جدید خود شدند. سوم، شاعرانی که جنگ و اثرات آن، خط اصلی شعر آنان شد، چه از گروه اول و چه از دسته دوم و هر کدام در پشت سنگ‌های حیرت و وحشت قومیت و ملیت و دین و آیین خود، توطئه‌ها و بمب‌هایی آتشین را با کاغذها و قلم‌های آهنین پاسخ گفتند و به نحوی تأثرات ویژه خود را در آینه شعر خویش بازتابانند» (حقوقی، ۱۳۷۷: ۱۰۶).

باید اذعان داشت که صفارزاده در دهه ششم و به خصوص در آستانه انقلاب اسلامی از سرودن اشعار طولانی و بلند بازگشت و بیشتر به سرودن اشعار کوتاه و متعهدانه روی آورد.

صفارزاده با سرودن اشعار پس از انقلاب به خوبی نشان داد که در دنیای شعر حائز اهمیت بوده و صاحب زبان و اندیشه و سبک خاصی است. او در مجموعه های «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» تعهد خویش را بسط داد. مجموعه «بیعت با بیداری» که اوایل انقلاب اسلامی چاپ شد، کاملاً فضای آن روزها را تداعی می کند. صفارزاده خود در مورد روند شعرش بعد از انقلاب چنین می گوید: «بعد از پیروزی انقلاب، توجه من به جهت گیری انقلاب بود، چرا که آن تحمیل ها برای رسیدن به دگرگونی بود» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۵۱).

همانطور که گفته شد صفارزاده در بیشتر سروده های خود از آیات قرآنی الهام می گیرد و همراه با آن از بیداری و آزادی و... سخن می گوید.

در نمونه زیر شاعر به زیبایی روزهای انقلاب را توصیف کرده و با استناد به آیه ۱۷ سوره توبه: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ...»، مردم را به ادامه مبارزه و پایداری دعوت می کند:

بازسازان دوباره می سازند/ از کشته پشته/ از کله مناره/ از خون دجله/ وقتی بنای قامت آزادی/ بنای قامت ایشان/ در اتصال ظلم و گلوله/ شبانه روز ویرانه می شود/ و پرسش همیشه و هر روز/ از جان هوشیار جهان برمی خیزد/ مشرک تو را به بازسازی مسجد چه کار/ مأمون تو را به بازسازی مرقد چه کار (بیعت با بیداری: ۹).

همچنین از قهر و کینه مردم انقلابی سخن می گوید که هرگز فرو نمی نشینند: بیهوده می شتابد این ماشین/ بیهوده زوزه می کشد این جانور/ در گوش ما و خیابان/ این آتش نهفته به خاکستر/ این آتش نهفته به خاکستر/ این قهر خلق ستمدیده/ در طول قرن ها به شعله رسیده/ این شعله بزرگ کینه/ با آب سرد/ هرگز نشانده نخواهد شد/ هرگز فرو نمی نشیند/ بیهوده می شتابد این ماشین (همان: ۲۸).

صفارزاده در اشعاری دیگر از بیداری مردم سخن می گوید و این چنین می سراید:

سلمان در انتهای هجرت خود برمی گردد/ پیام او/ پیام امام/ رگ های خفته/ این سامان را بیدار می کنند/ و رهیاران برمی خیزند/ از قبر این جوان/ او زنده

است / راهش ادامه دارد / و من که با جهالت می جنگم / جنگ و شهادتم / ادامه دارد (همان: ۴۴).

و از فضای حاکم بر روزهای انقلاب و نعره های الله اکبر و اشهد ان لا اله الا الله سخن می گوید :

در ابتدای هر حرکت / در ابتدای هر کوفه / الله اکبر است / در انتهای هر نعره اشهد ان لا اله الا الله / با هر گلوله پیوند می خورند / این اهل وحدت / با اهل بدر / و داغ شان داغ است / ای داغداران / باور کنید شما هم اهل بهشتید (همان: ۳۱).

«طاهره صفارزاده در سال ۵۵ مژده انقلاب را می دهد و طاغوت را محکوم به فنا می داند:

ای قوم سرفکنده / ای سخرگان / که قدرتان شیر بیرق است / از لا اله تا لا اله / فاصله مرگ و زندگی است / که باد صرصر / آن را در هم خواهد پیچید / صرصر همیشه پایگه داد است / و از اراده حق برمی خیزد ...» (آرمین، ۱۳۸۳: ۲۷).

۲-۴-۱- پیوند واقعه عاشورا و انقلاب اسلامی در شعر صفارزاده

درون مایه ادب پایداری در کشور ایران، متأثر از وقایع مذهبی به ویژه عاشورای حسینی است. «تاریخ عاشورا تا سده اخیر مأخوذ از سیره مقتل نویسی بود و مقاتل نیز جز ترویج سوگ سرایی و تقدیس حس مظلومیت تأثیر مهم تری نداشتند؛ حتی جوهره ارزشمند «فرهنگ شهادت» در سایه مفهوم مجرد «قربانی شدن» به منظور شفاعت گناه کاران ترسیم می شد. طرح مفاهیمی چون «حماسه و عرفان» در پرتو وقایع عاشورای حسینی، نخستین تجلی ادب پایداری بود؛ به عبارت دیگر، به جای آنکه تاریخ عاشورا تنها «اندرز گذشتگان» و «تسکین حال معاصران» باشد به فلسفه پویای قیام در ادوار متوالی تاریخ تبدیل شد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

صفارزاده درباره پیوند عاشورای حسینی با انقلاب اسلامی می گوید: «مرثیه، مرثیه سرایی و تعزیه نگاری به موجب واقعه عاشورا در ادبیات فارسی مقامی رسمی یافتند؛ اما پیام های عاشورایی و تحلیل تاریخی و فضایل عاشورا به ندرت فرصت ظهور در این آثار را داشته اند؛ حتی در برترین اثر یعنی ترجیع بند محتشم (باز این چه شورش است که در خلق عالم است)؛ ثارالله به معنی «خون خدا» نیست و این

سخن متداول جسمانیت برای ذات اقدس الله قائل شدن است؛ اما امام شهدای سرافراز، آنقدر مقام دارد که ثارالله است. ثارالله یعنی آن کس که انتقام خونش برعهده خداوند است. حضرت بر اثر شناخت حق و درستی و عدالت با معیارهای قرآن برای شناساندن قرآن در اثبات «تسلیم توحیدی» هرچه عزیز داشت، هرچه اسماعیل داشت همه را به قربانگاه یزیدیان برد تا عمل در چشم نسل‌ها اسوه حرکت باشد و اخلاق دینی از مسیر ستم ستیزی در چشم‌ها، راهی مستقیم و جاده‌ای پیمودنی جلوه کند و اسلام خداشناس و باطنی از اسلام زبانی و ظاهری بازشناخته شود. نشان دادن این پیام عظیم در شعر، همّت و همّت‌هایی سترگ می‌طلبد» (صفارزاده، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

از جمله اشعاری که وی در این مورد سروده، شعری است که در آن به فرازهایی از زیارت عاشورا اشاره کرده است:

در سرزمین آسمانی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشد / کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشد / ... زیر فشار ظلم ابر باطل‌ها / مدام می‌خوانند / ما در محاربه هستیم با هر که با حسین به جنگ است / و در صلحیم با هر که با حسین به صلح است (دیدار صبح، ۱۳۶۶: ۳۵-۷).

و شعر:

رفتن به راه می‌پیوندد / و چشم‌های منتظر رهروان / همیشه رنگ رسیدن دارد / ... راه حسین (ع) / راه اقامه حق است / و این طریق یگانه / یگانه مرهم تاریخ زخم‌های ملت ماست (بیعت با بیداری، ۱۳۸۶: ۷۹).

۲-۴-۲- امام خمینی (ره) در شعر صفارزاده

«بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷. ش) یکی از بنیادی‌ترین تحولاتی است که موجب دگرگونی بسیار در معاملات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار ما شده است. انقلابی که به باور بیشتر محققان دو محور اصلی شکل‌گیری آن رهبری و حضور مردمی است. موج انقلاب با الگوپذیری از اسلام و رهبری امام همه‌شئون زندگی مردم را درنوردید. وجه جمالی این موج، در آثار هنری هنرمندان این مرز و بوم تماشایی است. شاعران روزگار ما، در حوزه انقلاب اسلامی، آثار ماندگاری را برجای نهاده‌اند؛ چه آنانی که پیش از انقلاب شعر

سروده و به شاعری شهرت داشتند، چه آنانی که در متن و بطن انقلاب بالیده، همراه و همگام انقلاب بودند» (درگاهی، ۱۳۸۷: ۹۴).

طاهره صفارزاده در زمینه انقلاب اسلامی، به کرات قلم زده و اشعار بسیاری را در این زمینه از خود به یادگار نهاده است. وی در اشعار خود، امام خمینی را معلم بیداری، روح ضد خواب و پیشتاز دانسته و نوع نگاهش حماسی است. شعر «معلم بیداری» زمانی شده است که هنوز امام (ره) به میهن بازنگشته بود و شاعر با تعبیر خود از «رهبر نبرد رهایی» و «مهربان معلم بیداری» می‌خواهد که برای رهایی مردم در بند به وطن بازگردد و شمیم خوش آزادی را بر فضای وطن غالب ساخته و خفقان و اختناق رژیم طاغوت را براندازد؛ چنان که می‌بینیم شعر صبغه حماسی دارد.

باز آ/ باز آ/ ای مهربان معلم بیداری/ ای رهبر نبرد رهایی/ بیداری از سرورش
قم آمد/ و خانه‌های قبر گونه شکافت/ انسان ز خواب گران برخاست/... باز آ/
باز آ/ ای حق آشکار و تبعیدی/ ای رهبر رموز رهایی/ باز آ/ که چون تو بیایی/
باطل خواهد رفت (بیعت با بیداری، ۱۳۸۶: ۲۴-۷).

همچنین در شعر زیر امام (ره) را با تعابیری چون «روح ضد خواب» و «روح دادگستر» می‌خواند:

شب هرگز این همه بیداری در پی نداشته/ شب هرگز این همه بیداران در خود
نداشته/ ای روح ضد خواب/ ای روح دادگسترالله/ تو پیشتاز همه گردانی/ تو گرد
رسولانی/... باز آ/ باز آ/ ای حق آشکاره و تبعیدی/ ای رهبر رموز رهایی/ باز آ/ که
چون تو باز بیایی/ باطل خواهد رفت (همان).

۲-۵- صفارزاده و دفاع مقدس

چنان که بیشتر محققان معتقدند، جنگ به عنوان یک پدیده بشری، از همان سال‌های اولیه زندگی بشر در روی زمین، به اشکال مختلف وجود داشته است؛ همچنین اگر دفاعی بوده، آن دفاع به عنوان فرهنگ و تاریخ آن ملت به ثبت رسیده است.

ادبیات دفاع مقدّس آینه تمام‌نمایی است برای نشان دادن تجربه‌ها و آرمان‌های ملّتی که هشت سال با عظمت، ایمان، عشق، صبر، شهادت‌طلبی، رشادت، و ولایت در مقابل شرورترین و جنایتکارترین جنایت‌پیشگان تاریخ و استعمار جهانی ایستادگی کرد تا این حماسه‌ها و مبارزات، سند حقانیت و پاکی ملّت‌ها و پلیدی و باطل بودن دشمن، برای آگاهی نسل آینده باشد» (سلیمانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴). اگر نه از بیرون بلکه از درون به جنگ تحمیلی بنگریم و در عناصر معنوی محاط بر جنگ نظر افکنیم؛ تقدّس دفاع در برابر تجاوز نه آن تقدّسی است که به حق ذاتی دفاع از خود یا تمامیت ارضی بازمی‌گردد، بلکه حرمت و تقدّس الهی که به جهاد و شهادت معنا می‌بخشد و اسارت در جنگ را به آزادگی مبدل می‌سازد، واژه دفاع مقدّس در این چارچوب است که قابل تفسیر می‌گردد و از دفاع مشروع در قاموس حقوق و سیاست فاصله می‌گیرد (زمانی: ۹۸). «در واقع ادبیات حماسی در میان مردمی که جنگ، همواره یک پای زندگی آنها بوده است، جایگاه خاصی داشته و دارد» (حنیف، ۱۳۸۶: ۸۴). طاهره صفارزاده یکی از شاعران برجسته است که در زمینه دفاع مقدّس، جبهه، جنگ، شهادت و مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و ستم اشعار بسیاری از خود یادگار نهاده است؛ از جمله این اشعار، شعرهایی است که وی درباره جبهه و جنگ و پشت جبهه سروده است و از سختی‌ها و جدایی‌هایی که رزمندگان در جبهه متحمّل می‌شدند و همچنین از دعاها و امیدهایی که بدرقه راهشان می‌شد، می‌گوید:

سال گذشته / سال رزم و جدایی بود / در جبهه / عشق و سوز گذر می‌کرد /
در پشت جبهه / دعا / امید / در دور دست جبهه / تفرقه و نومیدی ... (دیدار صبح،
۱۳۶۶: ۵).

و جایی دیگر می‌گوید:

سال گذشته / سال رهاییان بود / حضور دست‌های پر ثمر نامرئی / مدام بذر
رشادت را / در سینه‌های مردم خالص می‌پاشید / و خیل عارفان میان میدان / از
چارسوی ملک هویدا می‌شد ... (همان: ۱۴).

شاعر عشق و یقین را عامل پیروزی رزمندگان دفاع مقدّس دانسته و دست
غیبی امداد را در پیرویشان دخیل می‌داند:

دشمن سلاح دارد/ دست و دهان و هیکل و زیور دارد/ اما یقین و عشق ندارد/... در جبهه دست غیبی امداد/ ابر سیاه را/ از مسیر هواپیما بر می دارد... (همان: ۳۹).

شاعر شجاعت پاسداران انقلاب اسلامی را می ستاید و شعر «فراز بیداری» را تقدیم به آنها می کند:

ای پاسدار/ در منتهای سردی شب/ بیرون خانه تن خود ایستاده‌ای/ با پلک‌های خسته/ پرستارانه/ تار زخم خورده/ از دستبرد مرگ بیاساید... (بیعت با بیداری، ۱۳۸۶: ۵۹).

۲-۶- شهید و شهادت در شعر صفارزاده

در شعر دفاع مقدس، شاعران تصویرهای زیبایی از شهادت و پویندگان راه حق ارائه می دهند و تلاش می کنند تا جلوه های گوناگون شهادت را در طول هشت سال دفاع مقدس به تصویر کشیده و آن را به مخاطبین و آیندگان منتقل سازند و این یکی از زیباترین جلوه های شعرهای دفاع مقدس به شمار می رود. در این شعرها شاعران با برشمردن مقام والای شهیدان به ارزش شهادت در مکتب انسان ساز اسلام تأکید می کنند.

صفارزاده در شعر زیر با توصیف فاجعه جنگ و سوگ سرایی به ستایش شهیدان می پردازد و در عین حال به مقاومت در برابر دشمن دعوت می کند:

امروز آن پرندگان شهید/ هم زنده اند/ هم شاهد/ و میهمان خداوندند/ به رزق و روزی پاک/ در غرقه های غربت و خرسندی/ و این ستمکاران/ تجار اسلحه و تنهایی/ دژخیم های سلسله ذونواس/ خورد و خوراکشان/ خبر خون است/ خون محاصره شدگان/ مظلومان/ این فاجعه/ در شعر و عکس و قصه نمی گنجد (روشنگران راه، ۱۳۸۴: ۴۳).

وی در این اشعار به آیات: «و لا تحسبنّ الّذین قُتلوا فی سبیلِ الله أمواتاً بلّ أحياءٌ عند ربّهم یرزقون» و «فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا من خلفهم ألاً خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون» (آل عمران / ۱۷۲ - ۱۶۹) اشاره کرده و شهدا را دارای مقام والا می داند.

همچنین به اصحاب اخدود در سوره بروج اشاره کرده و ستمکاران را دژخیم‌های سلسله ذونواس می‌نامد.

به علاوه در شعر زیر شهیدان را بناکننده بهشت می‌داند:

نهر غسل کجاست / نهر شیر / نهر زلال آب / اینان با نهر جاری رگ‌ها / با خاک استخوان / در کاسه‌های چشم / بهشت را / آن‌گونه ساختند / که از گذشت زمانه زیان خواهد دید / و این زمان / و این سیاه‌نامه / مثل همیشه / طوق گردن تاریخ است (بیعت با بیداری، ۱۳۸۶: ۴۴).

وی در شعری دیگر شهیدان را دارای صفات الهی می‌داند که همیشه بیدارند، نه چرت می‌زنند و نه می‌خوابند و در این شعر به آیه ۲۵۵ سوره بقره اشاره می‌کند: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ...».

شما شهیدان / همیشه بیدارید / صفت او را دارید / نه چرت می‌زند / نه می‌خوابد. بیداری‌اش نگهبان زمین است / و اینگونه است / که من همیشه از بیداری می‌گویم در شعر... (همان: ۸).

شاعر در شعر زیر شهادت را نهایت وصل با ناپیدا می‌داند و می‌گوید:

تو در نهایت وصلی با ناپیدا / و در نهایت مهری با ما / و دست ما را گرفته‌ای / و می‌کشانی با خود / از مرز تفرقه / تردید به مرکز همه بودن‌ها / به قسط / به آزادی / به قبله همگانی (همان: ۷۵).

صفارزاده در شعری دیگر به شهیدان تمسک جسته و از آنها می‌خواهد که دستش را گرفته و یاریش کنند:

آه ای شهید / دست مرا بگیر / با دست‌هایی / کز چاره‌های زمینی کوتاه است / دست مرا بگیر / من شاعر شما هستم / با جان زخم دیده / من آمده‌ام که در پیش شما باشم / و در موعود / دوباره با هم برمی‌خیزیم... (بیعت با بیداری، ۱۳۸۶: ۴۱).

در این گونه اشعار، صفارزاده با توجه به فیض عظیم شهادت، در صحبت از شهادت پویندگان راه حق گاه به شهادت طلبی آنان اشاره می‌کند و گاه خود در طلب شهادت است و گاه در آرزوی پیوستن به شهیدان.

۳- نتیجه گیری

طاهره صفارزاده از جمله شاعران شاخص در عرصه ادبیات پایداری از جمله ادبیات دفاع مقدس است که خدمات و آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاده است. در کارنامه درخشان وی علاوه بر شعر، ترجمه و تحقیقات قرآنی فراوانی به چشم می‌خورد. برآیند تحقیق نشان از آن دارد که:

- صفارزاده یکی از شاعران متدین و ارادتمند به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بوده است و بخشی از اشعار خود را در بیان مظلومیت‌ها و ایستادگی‌های امامان معصوم(ع) در برابر ظلم و ستم، با به تصویر کشیدن اخلاص و پایداری آنها قرار داده است. از جمله آنها می‌توان به اشعاری اشاره کرد که در آن واقعه کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش را با زیبایی به تصویر می‌کشد و در اشعار انقلابی خود آن را با حماسه انقلاب اسلامی پیوند می‌دهد.

- به علاوه اشعار انقلابی بسیاری نیز سروده است که در آن از انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، جنگ تحمیلی، جبهه، رزمندگان اسلامی و شهادت و... سخن می‌گوید.

- در میان اشعاری که صفارزاده در حوزه ادبیات مقاومت سروده است آنچه که از بسامد بالایی برخوردار است شعرهایی است که در باب انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده است. گرچه اشعار مذهبی‌ای که در آنها به بیان مقاومت دینی و آئینی پرداخته است کم نیست؛ اما نسبت به اشعار انقلابی او از بسامد اندکی برخوردار است.

یادداشت‌ها

۱- طاهره صفارزاده که به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی، به زبان خاص شعری خود دست یافته و صاحب نظریه‌هایی شده بود، بالأخره در ایران موفق شد که این زبان و سبک جدید از شعر را با عنوان «شعر طنین» معرفی کند. وی پایه نظریه «شعر طنین» را در مقدمه رهگذر مهتاب چنین بیان می‌کند:

در شعر اصیل / سایه هایند / اندیشه‌ها را / نه اندیشه‌ها لفظ‌ها را / هم آهنگ یا / نا هموزن / سایه‌ها / پیروانند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۷)، انتشارات تلاوت، تهران: چاپخانه بزرگ قرآن کریم، چاپ سوم.
۲. آینه وند، صادق. (۱۳۷۰)، ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، شماره ۷۹.
۳. اسحاق، محمد. (۱۳۷۹)، شعر جدید فارسی، تهران، فردوسی، ترجمه سیروس شمیسا، چاپ اول.
۴. اکبری، منوچهر. (۱۳۷۱)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، جلد اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۵. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۹)، آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، چاپ اول.
۶. حقوقی، محمد. (۱۳۷۷)، شعر نو از آغاز تا امروز، تهران: نشر ثالث، جلد اول، چاپ دوم.
۷. حنیف، محمد. (۱۳۸۶)، جنگ از سه دیدگاه، تهران: انتشارات صبریر.
۸. رفیعی، محمدعلی. (۱۳۸۶)، بیدارگری در علم و هنر، شناخت نامه طاهره صفارزاده، تهران، انتشارات هنر بیداری، جلد اول.
۹. زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۳)، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۱۰. سنگری، محمد رضا. (۱۳۷۴)، سوگ سرخ، تهران: نشر قو، چاپ اول.
۱۱. شکری، غالی. (۱۳۶۶)، ادب مقاومت، ترجمه محمد حسین روحان، تهران: نشر قو، چاپ اول.
۱۲. صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۶)، بیعت با بیداری، تهران: نشر هنر بیداری، چاپ چهارم.
۱۳. _____ . (۱۳۸۴)، روشنگران راه، تهران: برگ زیتون، چاپ اول.
۱۴. _____ . ۱۳۸۶، در پیشواز صلح، تهران: هنر بیداری، چاپ دوم.
۱۵. _____ . (۱۳۶۶)، دیدار صبح، شیراز: نوید شیراز، چاپ اول.
۱۶. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی ادبیات پایداری، تهران: نشر پالیزان، چاپ اول.
۱۷. واحد، سینا. (۱۳۷۵)، شخصیت ملی و دفاع مقدس، تهران: حوزه هنر، چاپ اول.
۱۸. یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۴)، جویبار لحظه ها، تهران: انتشارات جامی، چاپ هفتم.

مقالات و پایان نامه‌ها

۱. آرمین، منیژه. (۱۳۸۳)، **تأملی در شعر طاهره صفارزاده**، نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۳۷.
۲. بزرگی، زکیه. (۱۳۸۸)، **تحلیل و طبقه بندی موضوعی اشعار و سروده‌های طاهره صفارزاده**.
۳. درگاهی، زین العابدین. (۱۳۸۷)، **نگاهی به فرهنگ توصیفات امام خمینی (ره) در شعر شاعران معاصر**، مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۳۶.
۴. زمانی، سید قاسم. **تأملی بر ادبیات دفاع مقدس در حوزه حقوقی اجتماعی**، مجموعه مقالات دوازدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس.
۵. سلیمانی، بلقیس. (۱۳۷۷)، **ادبیات دفاع مقدس در یک نگاه**، کتاب و جامعه، تهران: انتشارات سروش.